

مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۴۰۳ (ص ۵۶ - ۶۱)
دریافت: مهر ماه ۱۴۰۳ پذیرش: دی ماه ۱۴۰۳

اهمیت تعلیم و تربیت در اندیشه سید جمال الدین افغان رحمه الله علیه

The Importance of Education in the Thought of Sayyid Jamal al-Din Afghani

صیغت الله صایم / استاد پوهنچی شرعیات پوهنتون بلخ.

Sibghatullah Saem/ Assistant Professor, Faculty of Sharia, Balkh University.
saem5543@gmail.com

Abstract

The progress and advancement of human societies depend on the nature and quality of their education. Sayyid Jamal al-Din Afghani is one of the prominent and influential figures of the 19th-century Islamic world, who made unparalleled efforts with an educational and training approach to awaken oppressed Muslim nations in the East. He considered education as a fundamental tool for both material and spiritual development and believed that the backwardness of the Islamic world stemmed from neglecting practical sciences and failing to apply religious knowledge. The educational approach of this Eastern reformer, besides transmitting knowledge, emphasized the development of other aspects of human personality, aiming to enhance political consciousness and the spiritual growth of Islamic societies, preparing them for resistance against foreign domination and internal betrayal. Afghani believed that intellectual and spiritual training leads individuals to self-awareness and inner freedom. From his perspective, education is only effective when its source is the untouched divine revelations.

Keyword: Knowledge, Education, Educational Method, Struggle Approach, Educational Struggles Analysis.

چکیده

پیشرفت و تعالی جوامع انسانی منوط به نوعیت و کیفیت تعلیم و تربیت آن است. سید جمال الدین افغانی یکی از شخصیت‌های تابناک و اثرگذار قرن نوزدهم جهان اسلام است که با اسلوب تعلیمی و تربیتی رهبران دست اول جهت بیداری ملل مظلوم مسلمان در مشرق زمین سعی بی‌بدیل نمود. وی تعلیم و تربیت را ابزاری اساسی پیشرفت‌های مادی و معنوی می‌دانست و معتقد بود که عقب‌مانی و عقب‌گردی جهان اسلام ناشی از عدم توجه به علم معاش و عدم بکار بستن علم معاد است. شیوه تربیتی این بیدارگر مشرق زمین، ضمن انتقال دانش، تأکید بر رشد سایر ابعاد شخصیتی انسان نیز داشت؛ تربیت که منتج بر ارتقای شعور سیاسی فرد و رشد روحی جوامع اسلامی گردد و آمده برای مبارزه و کوتاه نمودن دست اجانب و عمال خود فروخته داخلی شود. افغانی معتقد بود که تربیت فکری و روحی انسان را به خودآگاهی و حریت باطنی می‌رساند. از دید وی تربیت وقتی اثرپذیری دارد که سرچشمه آن از منابع دست‌ناخورده آسمانی باشد.

کلیدواژه‌ها: علم، تربیت، روش تربیتی، اسلوب مبارزه، آسیب‌شناسی مبارزات تربیتی.

مقدمه

مبرمیت علم و اندیشه بهساز از منظر هیچ صاحب دلی پنهان نیست. بالاخص تأثیر نوع علمی اندیشمندان وارسته و مصلحین آزاده تاریخ بشریت که از سرچشمه علم و حکمت رب الجلیل، جرعه‌ای نوشیده اند. آن‌های که آینه دل شان را سزاوار جذب انوار صفات خالق سماوات و الارض نموده اند و چون باران رحمت در جهت بیدارگری ملت‌ها از خواب غفلت و نور تابان در جهت زدودن فضای ظلمانی، از دیدگان پنهان نیست! یکی ازین بیدارگران و اندیشمندان که در طول سده اخیر توجه انسان‌های ژرفنگر در شرق و غرب را به وسعت جهان بینی و ضمیر روشن خود جلب نموده، سید جمال الدین افغان رحمه الله علیه است. ندهای روشنگری و هشدارهای غفلت زدایی وی باگذشت بیش از یک قرن مایه حسرت برای هر جوان مومن و دراک می‌شود؛ اما ملل غربی و غیرمسلمان تحت تأثیر پیام‌های همگانی وی و مخاطب قرار دادن نوع انسان به‌سوی روحیه تحمل‌پذیری، تحرک و پویایی و جهل زدایی قرار می‌گیرد که در موجودیت حریت واقعی، ارزش قایل شدن به علمای حقیقی و برچیدن بساط زعمای مستبد امکان‌پذیر است. این طلایه دار پیشرفت و ترقی و تعمیم بخشی وحدت امت اسلامی با نورافکن تعلیم و تربیت در محور ایمان و اتکاء به خدای صاحب عزت را کلید همه دروازه‌های بسته و زدودن ناامیدی‌های تحمیل شده از طرف حکام مستبد و مداخلات رهروان ابلیس می‌دانست.

عالم و دانشمند در اندیشه سید جمال الدین افغانی

عالمه افغانی، میزان تاثیرگذاری و عظمت هر فرد را منوط به علم و اندیشه وی دانسته، رشد و طی نمودن مدارج کمال فراتر از تصور بشریت را در سایه آن ساده و سهل پنداشته، می‌گفت «هر قومی که نزدیک شد به سلطان علم، بر عرش نیکبختی جای گرفت»^۱. وی اختراعات و نوآوری‌های انسان‌ها را که مولود تفکر است و در راستای اهداف صحیح و درست بکار گرفته می‌شود، مورد تأکید قرار می‌داد. او ترقی و پیشرفت‌های علمی را با حفظ ارزش‌های دینی در میان مدعیان اسلامیت، یگانه راه نجات بشریت از خود گم گشته و احیای مجد تمدن اسلامی در میان کاروان‌های پیشرفت و ترقی ادعاداران مدنیت امروزی می‌پنداشت. سید جمال الدین افغانی به تأسی از اندیشه امام غزالی رح، اصرار می‌ورزید که علوم تجربی مبتنی بر واقعیت‌ها به هیچ وجه در تضاد با دین قرار ندارد و اگر تضاد در میان آن‌ها متصور شود، باید در روشنی حقایق و اصول تشریح اسلامی برفع این تضاد پرداخته شود.^۲ این بیدارگر فرهیخته، همه کمالات و زیبایی‌های عالم هستی را مولود دقت نگری در تربیت آن‌ها پنداشته، می‌گفت «حسن تربیت در این عوالم ثلثه (جماد، حیوان و نبات) باعث همه کمالات و همه خوبی‌هاست و سوء تربیت سبب همه نقص‌ها و همه زشتی‌هاست».^۳ سید، رشد و توسعه تعلیم و تربیت را جزء مسئولیت‌های خطیر حکام و زعمای جوامع اسلامی معرفی نموده، مؤثریت ادعاداری زعامت و رهبری را برای خودش و همه حوزه‌های ساختاری نظام بشری منوط به آرمان متعالی و چشیدن از سرچشمه علم و حکمت انبیاء علیهم‌السلام دانسته که مایه فیض، روشنگری و رحمت برای بشریت می‌شود. این بیدارگر وارسته تأکید می‌کرد «منافع انسان‌ها از برای خود و برای حکومت‌ها به‌قدر علم آن‌ها است؛ پس هر حکومتی را لازم است، از برای منفعت خود در تأسیس علوم و نشر معارف بکوشد».^۴ این طلایه دار روشنگری، علم حقیقی را ظرفیتی می‌پندارد که برای انسان حریت بخشیده و مایه رحمت برای بشریت شود؛ آنگاه چون ستاره درخشان بر ظلمت کده‌ها نور افشانی کند و بر تاریکی‌ها چهره نو بخشد. او می‌گوید: «عالم حقیقتاً نور است اگر عالم باشد، پس اگر عالم عالم است می‌بایست که به همه عالم نور بپاشد و اگر به همه عالم نور او نرسد، اقلماً باید که قطر خود را و یا شهر خود را و یا قریه خود را و یا خانه خود را منور بسازد».^۵

^۱ مجله عرفان، ارگان نشراتی وزارت تعلیم و تربیه، شماره قوس و جدی ۱۳۷۰.

^۲ شخصیت و افکار سید جمال الدین افغان ص ۹۸.

^۳ تفسیر مفسر، ص ۷۸.

^۴ تعلیم و تعلم، ص ۶۴.

^۵ تعلیم و تعلم، ص ۶۸.

تأکید روی روش تربیتی قرآن کریم

اندیشمندان وارسته و بیدارگران اصلاح طلب به تبعیت و رهروی رهبران دست اول بشریت، روش تربیتی شان را با الهام گیری از وحی الهی و تأکید روی اساسات فکری در طول تاریخ، به منظور انقلاب در بینش انبای بشر و مدیریت سالم در همه حوزه‌های ساختاری نظام بشری با منطق عالی و حکمت عملی مسوولانه ارائه نمودند. این مجدد و بیدارگر عصر، اصول تربیتی خویش را به منظور تفسیر دقیق از جایگاه انسان درین سرای موقتی، توجیه و رشد مستدام ظرفیت‌های انسانی، طرح‌های سازنده و عملی در جهت توسعه و رشد اقتصادی و تثبیت جایگاه سیاسی امت مسلمه در منطقه و جهان ارائه نمود. یکی از دانشمندان علوم اجتماعی آلمانی بنام هانس کاهن با توجه به تأثیر اندیشه بیدارگری سید در میان ملل مشرق زمین و درک عمیق و تحلیل دقیق او از عظمت اسلام و قرآن و بحران موجود در عالم اسلام می‌گوید:

«سید جمال‌الدین این را می‌دانست که احیای پاکیزگی اسلام و عظمت فلسفه اولیه آن چنان وسیله ایست که به ذریعه آن اقوام مسلمان، قوه سیاسی و برتری گذشته خود را دوباره بدست آورده می‌توانند—اثرات جمال‌الدین در صد سال گذشته سبب بزرگترین انقلاب فکری گردیده است»^۶

این اندیشمند وارسته، قرآن کریم را ذکر عظمت پروردگار و نور فروزان می‌پندارد که جهت تفکیک حق از باطل، تشخیص اسرار خوشبختی، درک سنت‌های غیر قابل تبدیل در جهت تحول و دگرسازی جوامع بشری و معرف حقیقی هدف حیات و ممت برای بنی نوع بشر ارسال شده و از غفلت هلاک کننده نسبت به اعدای باطنی و ظاهری برحذر می‌دارد.^۷ سید، با درک و تحلیل دقیق از احوال جوامع اسلامی؛ یادگیری و فهم لفظ به لفظ قرآن کریم، بالاخص سوره‌های مکی را یگانه نسخه شفافبخش از ورای روش تربیتی پیامبر صلی‌الله علیه وسلم در جهت احیای روحیه امت شدن در میان توده‌های از هم پاشیده جوامع مسلمان نشین می‌داند که تمدن و فرهنگ شان را در محور ایمان و حفظ ارزش‌های اسلامی به یاری پروردگار دوباره رونق دهند. او می‌گوید: تصمیم و نظر کلی این شده که باید دست به دامن قرآن کریم بزینیم، آن قرآنی که می‌فرماید: {إِنَّ اللَّهَ لَا يَغِيْرُ مَا يَقُوْمُ حَتَّىٰ يَغِيْرُوْا مَا بَأْنَفْسِهِمْ}.^۸ سید، با الهام گیری ازین آیه مبارکه و تحلیل دقیق از موقعگیری‌های خصم واحد در برابر امت ازهم گسیخته اسلامی، رمز تحول و بیداری جوامع اسلامی را منوط به تزکیه نفس و دگرسازی احوال باطنی آحاد ملت‌ها در هر جامعه می‌پنداشت. وی، همانند مولانای بلخی و سایر اهل عرفان، رمز حریت و آزادی احوال جوامع اسلامی را مشروط به وارستگی از قید هوی و تسلیمی به مشیت خدا جل جلاله، می‌دانست.

چون ز خود رستی همه برهان شدی *** چون که گفتی بندهام سلطان شدی

«مولوی بلخی»^۹

وی، غفلت مسلمانان را که ناشی از فراموشی سپردن آیات الهی، انتخاب تکیه‌گاه‌های کاذب، تجمل‌گرایی و استبداد حکام در جوامع اسلامی است، عمده‌ترین عامل عقبمانی از کاروان علم و تمدن معرفی می‌کرد. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: {إِنَّ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَاءَنَا وَرَوْضًا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَأَطْمَأْنَوْا بِهَا وَالَّذِيْنَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ...}.^{۱۰} ترجمه: به تحقیق آنانکه در جهت رسیدن به لقاء (حضرت حق) رجوع نمی‌کنند و به زندگی دنیا خوشحال هستند و راضی شدند به آن و کسانی که از نشانه‌ها و دلایل جهت دهنده به سوی ما غافل اند، جایگاه آن گروه آتش است به سبب آنچه کسب کردند. علامه سید جمال‌الدین افغانی، تربیت آحاد ملت مسلمه را در پرتوی اصول تربیتی قرآن کریم، یگانه راهکار در جهت اتحاد و احیای اخوت اسلامی می‌پنداشت. به منظور نیل به این مهم، وی سفرهای متعدد را با تحمل رنج و مشقت از طریق ابحار بسوی شرق و غرب جهت احیای وحدت اسلامی و بیدارگری توده‌های خفته مسلمین دریغ ننمود. این طلایه دار بیدارگری، رهبران جوامع اسلامی را هشدار ذلت و افتادان به دامن دستاوردهای علمی شرق و غرب را داده و با پیام‌های بیدارگر اش ندای احیای توحید فکری و عملی و رشد روحیه حرمت‌گزاری و تعظیم کردن به علمای حقیقی را به

^۶ آثار سید جمال‌الدین افغانی، ص ۳۱۱.

^۷ شرح حال و آثار سید جمال‌الدین اسد آبادی صص ۲۹-۳۰.

^۸ سید جمال‌الدین، پایه گذار نهضت‌های اسلامی، ج ۲، صص ۷۸-۷۹.

^۹ مثنوی معنوی، دفتر دوم، بخش ۲۶.

^{۱۰} سوره یونس، آیه ۷.

گوش آن‌ها رسانده، اتمام حجت نمود.^{۱۱} سید، مفهوم اخوت اسلامی را در سایه ایمان به خدا جل جلاله، به‌عنوان نسخه شفا بخش در جهت اتحاد سیاسی مسلمین و احیای عزت از دست رفته جوامع اسلامی پیشکش می‌نمود و با تأکید روی مفهوم آیه مبارکه { إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ } . الحجرات ۱۰. ترجمه: به تحقیق مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید و از الله متعال ترس و پروا داشته باشید که زود به شما رحم شود. زدودن نقطه‌های فصل هم از تبعیض و تعصبات مذهبی، زبانی، ملیتی، نژادی و... را محض با جمع شدن در محور ایمان به خدا جل جلاله، یگانه نقطه وصل می‌دانست. ایمانی که ثمره آن در محیط خانواده شفقت، گذشت و حرمت متقابل باشد، در داخل اجتماع عفت، سخاوت و ایثارگری باشد، در مدیریت و رهبری شعار و عمل اش عدالت و تأمین مصلحت باشد و مقصدی جز حصول رضای حضرت حق نداشته باشد!

اسلوب مبارزه و پیام‌رسانی علامه افغانی

سید، مبارز نستوه، بیدارگر عیار و حکیم دانایی بود که امراء و حکمای جوامع اسلامی را از خواب غفلت، وابستگی به قدرت‌های استعماری و استبداد بالای ملت‌های ساکن در جوامع اسلامی برحذر داشته، آن‌ها را نخست به اتحاد ملت‌های محروم در محور مشترکات عقیدتی، فرهنگی و تاریخی به‌منظور تحقق وحدت و اخوت اسلامی فراخوانده، سپس با تأکید روی بکارگیری ظرفیت‌های انسانی در جهت استفاده بهینه منابع طبیعی و استخراج معادن سرشار از احجار قیمتی و فلزات نجیبه در مناطق مشخص سعی بلیغ نموده، از حکما می‌خواهد که با بسیج نمودن کاروان‌های تجارتی زمینه گسترش این آرمان متعالی و تبادل افکار را با سایر بلاد اسلامی به‌منظور تحکیم روابط سیاسی، اقتصادی و احیای عزت از دست‌رفته جوامع اسلامی و تأثیرگذاری بالای سایر ملت‌ها مساعد نمایند.^{۱۲} این بیدارگر بی‌محابا، با درک دقیق از مفهوم حیات و مسئولیت خلیفه الله بودن در امر ابراز بندگی، ادای رسالت اجتماعی و آبادی زمین، فرصت‌ها را اندک پنداشته و مسئولیت‌ها را خطیر دانسته، بیشترین وقت را صرف بیدارگری حکما و زعمای جوامع اسلامی به‌منظور احیای اخوت و وحدت میان کشورهای اسلامی نمود. سید، در اوایل سال ۱۸۹۲، نامه‌یی را برای سلطان عبدالحمید ثانی جهت برحذر نمودن وی از خطر تهاجمی قدرت‌های غربی بالای جوامع ازهم پاشیده اسلامی ارسال نموده، از اتحاد قدرت‌های غربی در جهت نابودی زعامت مستقل در کشورهای اسلامی و ایجاد اختلاف در میان شان هشدار داد:

«همه خواسته و تصمیم واحد دارند که همانا نابودی قلمرو ما و محو نمودن نشانه‌های ماست؛ و درین میان هیچ فرقی در میان روسیه، انگلستان، جرمنی، آمریکا یا فرانسه نیست. بالخصوص اگر آن‌ها ضعف و ناتوانی ما را درک نمایند، طرح شان را سریع روی دست گرفته بیشتر مصمم می‌شوند. اگر در مقابل آن‌ها، ما متحد شویم به‌عنوان امت اسلامی، ازین آسیب مصون می‌مانیم و به سخن ما گوش می‌دهند!»^{۱۳}

آسیب‌شناسی مبارزات تربیتی در جوامع اسلامی

سید جمال‌الدین افغانی، عمده‌ترین آسیب مبارزات تربیتی را فقدان آرمان متعالی، طمع داشتن به ثروت مادی و عدم آگاهی دقیق دانشمندان جوامع اسلامی از عوامل فراز و نشیب تمدن‌ها و تاریخ ملت‌ها پنداشته؛ طمع داشتن به دروازه‌های حکام را به‌منظور رسیدن به موقف اجتماعی و ثروت مادی، بارزترین موانع صلاح و فلاح اجتماع در برابر ادعاداران مبارزه در جهت بهسازی جوامع اسلامی می‌دانست. وی داشتن آرمان متعالی و عدم طمع داشتن به داشته‌های مادی را رمز تأثیرگذاری علماء و دانشمندان در جوامع اسلامی معرفی نمود، آن‌ها را به ترویج روحیه مروت در جهت تعمیم بخشیدن فضیلت و صلاح اجتماع دعوت می‌کرد. سید، مسئولیت دانشمندان را به عنوان اطباء جهت علت‌شناسی امراض اجتماعی و زدودن آن مورد تأکید قرار داده، از غفلت در تشخیص امراض و ارائه نسخه‌های هلاک کننده هشدار می‌داد.^{۱۴} وی، علمای حقیقی را چون نور فروزان می‌پنداشت که مایه بیداری توده‌ها و زدودن

^{۱۱} تعلیم و تربیت ص ۶۹.

^{۱۲} تتمه البیان فی تاریخ الافغان، صص ۱۸۱ - ۱۸۵.

^{۱۳} 'The Pan-Islamic appeal: Afghani and Abdelhamid', Middle Eastern p. 66.

^{۱۴} مجموعه رسائل و مقالات، ص ۱۳۶.

تاریکی طروقها در جهت تعمیم وحدت ملت‌ها به منظور احیای نظام الهی، در میان بشر و بشریت شوند. این مجدد صده نوزدهم، در آخرین ادوار حیات اش خطاب به مبارزین و رهروان مسیر توحید می‌گوید: «من بذرهای بیداری و آگاهی را در مکان نامناسب کشت کردم و بیشترین وقت خود را صرف حکما و زعما نمودم؛ ای کاش! این بذرها در میان توده‌ها کشت می‌شد و مایه بیداری و بصیرت نسل‌های بعدی می‌شد».^{۱۵} سید با توجه به وضعیت حساس مسلمانان که حاکی از تشتت و بدام افتادان قریب‌الوقوع نسل‌های بعدی به دامان قدرت‌های استعماری شرق و غرب بود، با تقبل هر نوع خطر و تهدید بیابیه‌های بیداری را به سمع زعمای کشورهای اسلامی رسانید، اما دریغا که اکثریت مطلق آن‌ها سند بردگی خودشان و معامله ننگین روی عزت توده‌های مظلوم را قبلاً با ناامیدی و قبول ذلت در برابر قدرت‌های استعماری امضاء نموده بودند. این حکام مستبد و فرورفته در دام شهوت که فاقد شعور سیاسی و قلب عاری از تکیه‌گاه ایمانی بودند، بقای شان را محض با قبول ذلت و ایستادن در سایه قدرت‌های استعماری شرق و غرب می‌دانستند، اما غافل از اینکه برای باداران شان حیثیت و موقف چون زباله دانی‌هایی مصرفی را دارند که دور انداختن شان با گذشت زمان حتمی است!

نتیجه‌گیری

- ✓ مسئولیت علما در جوامع اسلامی چون اطبای حاذق، دراک و مهربان است که با درک احوال مخاطبین شان نسخه‌ها را به‌منظور زدودن امراض اجتماعی بدون کوچکترین غفلت ارائه نمایند.
- ✓ فرصت ادای مسئولیت اندک است، اما مسئولیت‌ها خطیر!
- ✓ استقلال و وارستگی ملت‌های مسلمان منوط به تغییر دنیای درون و آزادگی از قید هوی نفس است!
- ✓ محوریت ایمان به خدا جل جلاله، یگانه اصل در جهت احیای اخوت اسلامی است.
- ✓ مصونیت جوامع اسلامی و جلوگیری از نفوذ استعمار در سایه وحدت امت اسلامی و زعامت سالم امکان‌پذیر است.
- ✓ تأثیرگذاری مسلمانان بالای سایر ملت‌ها مشروط به تشکیل یک قدرت اقتصادی و سیاسی مستقل مبتنی بر روحیه خداجویی است.

^{۱۵} سید جمال الدین افغانی و نهضت بیداری، ص ۳۶.

منابع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] ابراهیم آیتی. (۱۳۵۰). سید جمال الدین افغان، شخصیت و افکار. تهران: دانشگاه تهران.
- [۳] براون، ادوارد. (۱۳۷۲). سید جمال الدین افغانی و نهضت بیداری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۴] السید جمال الدین الافغانی. (۱۳۱۸). تتمه البیان فی تاریخ الأفغان. قاهره: دارالنصار.
- [۵] عزیزى، ع. (۱۳۵۷) تفسیر مفسر. تهران: انتشارات جاویدان.
- [۶] علی اصغر حلبی. (۱۳۳۵). پایه گذار نهضت های اسلامی، تهران: انتشارات پیام.
- [۷] قاضی محمد ع. (۱۹۴۰). آثار سید جمال الدین افغانی دهلی: انتشارات روپه.
- [۸] مجله عرفان. (۱۳۷۰). *نظریات سید جمال الدین افغانی در عرصه تعلیم و تربیه*. ارگان نشراتی کابل: وزارت تعلیم و تربیه.
- [۹] مولانا جلال الدین محمد بلخی. (۱۳۷۵). مثنوی معنوی، تهران: انتشارات افکار.
- [۱۰] میرزا لطف الله خان. (۱۳۵۶). شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی تهران: انتشارات سحر.
- [11] Nikki R. Keddie, (Oct. 1966). 'The Pan-Islamic appeal: Afghani and Abdelhamid', Middle Eastern.